

امر به معروف و نهی از منکر (۱)

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید.	كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ
به کار پسندیده فرمان می‌دهید	تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
و از کار ناپسند باز می‌دارید	وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
و به خدا ایمان دارید.	وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

● قبل از پرداختن به احکام «امر به معروف» و «نهی از منکر» با مفهوم، جایگاه و شیوه‌های گوناگون آن آشنا می‌شویم.

الف) مفهوم «امر به معروف و نهی از منکر»

«معروف» به کار خوب و ارزشمندی گفته می‌شود که مورد تأیید عقل و شرع باشد. «منکر» نیز به کار زشت و ناپسندی اطلاق می‌شود که عقل و شرع آن را تأیید نکنند. در این درس، منظور از «معروف» فقط کارهای واجب، و مقصود از «منکر» فقط کارهای حرام است.

توصیه به انجام کار واجب را «امر به معروف» و توصیه به ترک گناه و کار حرام را «نهی از منکر» می‌گویند. این توصیه معمولاً از طریق گفتن انجام می‌شود، ولی منحصر به آن نیست، و به وسیله اشاره، تذکر کتبی و کلمات غیرمستقیم نیز می‌توان امر به معروف و نهی از منکر نمود.

لحن گفتار در امر به معروف و نهی از منکر همیشه یکسان نیست و بستگی به شرایط دارد؛ از توصیه دوستانه گرفته تا دستور جدی و لحن آمرانه. دقیقاً مانند پدر و مادری که برای تربیت فرزندشان گاهی با مهربانی، او را راهنمایی می‌کنند و گاهی با لحن شدید، او را توبیخ یا سرزنش می‌کنند. هدف

یک چیز است : کمک به فرزندشان و دورنگهداشتن او از خطرات و اشتباهات.
 «امر به معروف» و «نهی از منکر» در حقیقت دو واجب جداگانه‌اند که معمولاً با یکدیگر نام برده می‌شوند، و از نظر مفهوم و مصداق با یکدیگر تفاوت دارند. اگر واجبی، مانند نماز خواندن، ترک گردد، جای «امر به معروف» است، و اگر معصیتی، مانند غیبت یا دروغ انجام شود، محل «نهی از منکر» است. در نتیجه، این دو فریضه، کاربردهای جداگانه داشته و دو واجب به شمار می‌آید.



واژه «امر» در اصطلاح «امر به معروف» به چه معنایی است و با معنای رایج آن در زبان فارسی چه تفاوتی دارد؟

ب) اهمیت «امر به معروف و نهی از منکر»

اگر در یک جامعه «امر به معروف و نهی از منکر» ترک شود، سایر واجبات، مانند نماز و روزه، نیز کم کم به فراموشی سپرده خواهد شد. به همین دلیل در روایات، «امر به معروف و نهی از منکر» از واجبات دیگر، برتر شمرده شده و نسبت به بی‌اعتنایی به آن هشدار شدید داده شده است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید :

«اگر همه اعمال نیک و (حتی) جهاد در راه خدا را با «امر به معروف و نهی از منکر» مقایسه کنید؛ مانند قطره‌ای در برابر دریاست».^۱

آن حضرت در سخنی دیگر درباره ترک «امر به معروف و نهی از منکر» می‌فرماید : «خداوند سبحان مردمان گذشته را تنها به این دلیل از رحمت خویش محروم ساخت که «امر به معروف و نهی از منکر» را ترک کردند».^۲

در قرآن کریم نیز حکایت عبرت آموزی درباره بی‌توجهی برخی نسبت به گناهان دیگران نقل

۱- «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُنُهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتَةٍ فِي

بَحْرِ لُجِّي» نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

شده که نتیجه آن چنین است: «تنها کسانی را که «نهی از منکر» کردند نجات دادیم و بقیه را به سبب گناه، یا ترک نهی از منکر به عذابی سخت مبتلا نمودیم»^۱.



با توجه به آیه ابتدای درس، چه ارتباطی میان رواج «امر به معروف و نهی از منکر» و یک جامعه نمونه وجود دارد؟
.....
.....

ج) شیوه‌های «امر به معروف و نهی از منکر»

همان‌طور که اشاره شد امر و نهی، شیوه‌های گوناگون دارد: از توصیه دوستانه تا دستور آمرانه. از گفتار صریح تا درخواست غیرمستقیم. قهر و مبارزه منفی تا قیامت و حرکت. چنان‌که قیام امام حسین (علیه‌السلام) برای تحقق این دو فریضه صورت گرفته است.

امر به انجام دادن کارهای واجب، امری واجب و سفارش کردن به انجام مستحبات، امری مستحب به‌شمار می‌رود. همین‌طور زشتی برخی گناهان، شدیدتر بوده و نهی از آنها اولویت بیشتری دارد. به همین جهت، «نهی از منکر» یک حاکم ظالم، و یا «امر به معروف» مسئولان حکومتی، از ارزش‌ترین اعمال محسوب شده و نتایج آن به مراتب از امر و نهی‌های جزئی بیشتر است. قیام مردم ایران بر علیه شاه و تشکیل جمهوری اسلامی ایران، نمونه‌ای از این نوع امر به معروف و نهی از منکرهاست. امروزه رسانه‌های صوتی و تصویری و مکتوب تأثیر فراوانی در هدایت افکار عمومی جامعه دارند و با روش‌های پیشرفته، ارزش‌های یک جامعه را دگرگون می‌کنند. این کار نه با نام «امر به معروف و نهی از منکر»، بلکه با عنوان جذاب تبلیغات و به‌طور غیرمستقیم و غیرمحسوس صورت می‌گیرد. تأمل در این شیوه‌ها، راهنمای ارزنده‌ای جهت شناخت روش‌های مناسب «امر به معروف و نهی از منکر» خواهد بود.

روش‌های غیرمستقیم به علت اینکه مقاومت کمتری در برابر آن صورت می‌گیرد و مخاطب احساس شرمندگی و حقارت نمی‌کند، مؤثرتر از روش‌های مستقیم و اشاره صریح است، ولی به‌کارگیری این روش‌ها نیازمند ابتکار و به‌کارگیری اندیشه است. نمونه مشهور این روش، رفتار

۱- سورة اعراف، آیه ۱۶۵.

امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) در سنین کودکی با پیرمرد مسلمانی است که اشتباه وضو می‌گرفت و آن دو بزرگوار، از پیرمرد درخواست کردند که قضاوت کند کدام یک بهتر وضو می‌گیرد. و بدین صورت بدون هیچ کلامی، پیرمرد اشتباه خود را متوجه شد و از آن دو تشکر نمود.^۱ نمونه دیگر، برخورد امام کاظم (علیه السلام) با بُشر حافی است که در خانه‌اش مجلس عیش و نوش برقرار بود و امام خطاب به خدمتکار وی فرمود: «صاحب این منزل بنده است یا آزاد؟» زمانی که خدمتکار با غرور پاسخ داد: «صاحب اینجا آزاد است»، امام فرمود: «بله .. آزاد است، اگر بنده بود این‌طور در منزلش بساط گناه برپا نمی‌کرد.» هنگامی که این جملات سنجیده به گوش صاحبخانه رسید او را سخت متحول کرد و پابره‌نه به دنبال امام افتاد و از گناه خود چنان توبه نمود که شمه‌ه تاریخ گشت.^۲



چند نمونه از روش‌های غیرمستقیم امر به «معروف» و نهی از «منکر» را در جامعه مثال بزنید.

.....

.....

.....

د) امر به معروف، وظیفه حکومت است یا مردم؟

سکوت نکردن در برابر انحراف و ظلم، وظیفه همه است و اختصاص به عده‌ای خاص ندارد. همان‌طور که افراد یک جامعه، وظیفه دارند یکدیگر و مسئولان را «امر به معروف و نهی از منکر» کنند، حکومت نیز وظیفه دارد مانع انجام منکر و ترک معروف در جامعه گردد. در گذشته‌ای نه چندان دور، تشکیلاتی به نام «حسبیه» در حکومت‌های اسلامی وجود داشت که بر کارهای اجتماعی مردم و کسب و کار آنها نظارت می‌کرد. همان کاری که امروزه «شهرداری»ها و «نیروی انتظامی» انجام می‌دهند. اما به تدریج این نهاد حکومتی کم‌رنگ شد و از میان رفت.

امروزه نیز، از سویی وظیفه حکومت است که مردم را به معروف دعوت کند و از منکرات

۱- بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۸۴

۲- الکنی واللقاب محدث قمی ج ۲، ذیل عنوان «الحافی» ص ۱۵۳ به نقل از علامه در منهاج الکرامه

باز دارد و از سوی دیگر وظیفهٔ مردم است که اگر منگری از مسئولی دیدند، ساکت نشینند و به نحو مناسب جلوی او را بگیرند. در این میان، مطبوعات و رسانه‌ها می‌توانند نقش پررنگ‌تری ایفا کنند.



بیندیشید و پاسخ دهید



- ۱- انسان در زندگی خود به طور ناخودآگاه «امر به معروف یا نهی از منکر»های فراوانی انجام می‌دهد. نمونه‌هایی از آن را در زندگی خود بیابید و در کلاس مطرح نمایید.
- ۲- چرا افراد گناهکار با آنکه خود به گناه آلوده‌اند، گاه دیگران را به ناپاکی متهم و آنها را سرزنش می‌کنند؟
- ۳- با انجام گناه در جامعه، چه ضررهایی به دیگران می‌رسد؟
- ۴- هدف و ثمرهٔ «نهی از منکر» چیست؟
- ۵- ترک «امر به معروف و نهی از منکر» چه ضررهایی را متوجه خود فرد می‌کند؟

امر به معروف و نهی از منکر (۲)

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ
وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^۱

و باید از میان شما، گروهی (مردم)
را) به کارهای خیر دعوت کنند،
به کار نیک فرمان دهند
و از کارهای زشت باز دارند.
آنان همان رستگاران اند.

● در درس قبل با مفهوم، اهمیت و انواع «امر به معروف و نهی از منکر» آشنا شدیم. در این درس، شرایط و جوب، روش انجام و مراتب امر به معروف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) شرایط و جوب

«امر به معروف و نهی از منکر» جزء واجبات کفایی است؛ یعنی کارهایی که انجام آن بر همه واجب است و اگر همه از انجام آن شانه خالی کنند، همگی گناهکار خواهند بود. در صورت مشاهده ترک واجب یا ارتکاب معصیت و وجود برخی شرایط، «امر به معروف و نهی از منکر» بر افراد مطلع واجب می‌شود.

این شرایط عبارت‌اند از:

۱- تشخیص معروف و منکر: اولین شرط امر به معروف و ناهی از منکر، اطلاع از احکام شرع و موارد واجب و حرام است. اگر آمر و ناهی، علم کافی نداشته باشد و مصادیق معروف و منکر را به درستی تشخیص ندهد، به جای کمک به تقویت دینداری در جامعه، موجب گمراهی مردم و تبدیل

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۰۴

مستحبات به واجبات یا مکروهات به محرمات، می‌شود. بنابراین، شرط اول آن است که بدانند آنچه ترک شده، واجب بوده است و آنچه انجام گرفته منکر است.

۲- **مفسده نداشتن:** اگر نهی، موجب مفسده بزرگ‌تر از ترک واجب یا انجام منکر باشد، نه تنها واجب نیست؛ بلکه حرام است؛ مثلاً اگر نهی از منکر در حضور دیگران، موجب ریختن آبروی فرد مسلمان در جامعه شود، جایز نیست و باید به زمان و مکان مناسب‌تری موقوف شود. همچنین اگر این کار مستلزم انجام گناهی دیگر باشد جایز نیست؛ مانند ورود به حریم شخصی افراد، تجسس آن افشای سِر و ...؛ زیرا تجسس در امور شخصی افراد جایز نیست و حرام است.

۳- **قصد تکرار گناه:** در صورتی که فرد خطاکار از کار خود پشیمان شده و قصد انجام مجدد گناه را نداشته باشد، وجوب تذکر ساقط می‌شود.

۴- **احتمال تأثیر:** از دیگر شرایط وجوب، مؤثر بودن یا احتمال تأثیر است. اگر قرائن به گونه‌ای است که شخص تشخیص می‌دهد «امر به معروف و نهی از منکر» تأثیر نمی‌گذارد، بر او واجب نیست، گرچه ممکن است مستحب باشد. اگر احتمال تأثیر عکس دهد، انجام آن جایز نیست؛ بلکه باید با تغییر روش و در فرصت و شرایط مناسب به انجام آن اقدام کند.

گاهی تأثیر، مستلزم تکرار امر و نهی و مداومت در گفتن است که در این صورت، عدم تأثیر یک باره، موجب رفع وجوب امر به معروف نمی‌شود و باید تذکر را تکرار نمود. گاهی نیز تغییر رفتار، مستلزم صبر و مداومت چند ماهه یا چندین ساله است.

به طور کلی، کمتر موردی یافت می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر بی تأثیر باشد؛ آنچه مهم است یافتن شیوه و روش مناسب می‌باشد.

* **تذکر:** کسی که «امر به معروف یا نهی از منکر» می‌کند، خودش نیز باید عامل به معروف و تارک منکر باشد تا سخنش در دیگران تأثیر بگذارد. و در حقیقت چه کسی سزاوارتر از خود، برای اجرای آن معروف که دیگران را به سوی آن فرا می‌خوانیم؟ بنابراین، هم خودمان به دستورات دین عمل کنیم و هم دیگران را به آن فرا بخوانیم. البته عمل به گفتار خود، شرط وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» نیست و بهانه‌ای جهت انجام ندادن آن به شمار نمی‌رود، ولی شرط تأثیر در مخاطب است.

هیچ یک از ما معصوم نیستیم و ممکن است گاهی مرتکب خطا یا اشتباه شویم. همین اندازه که نسبت به آن کاری که می‌خواهیم به آن، امر یا نهی کنیم عامل باشیم، کافی است تا مورد اعتراض قرار نگیریم. البته سخن افراد پاکیزه و درستکار، به مراتب تأثیر بیشتری نسبت به افراد عادی دارد و همان‌طور که در کتاب‌های اخلاقی نمونه‌هایی از این تأثیرات ذکر شده، گاهی موجب تحول افراد گناهکار می‌گردد.

شنیدن موعظه از شخصی که خود به آن عمل نمی‌کند، چه تأثیری می‌تواند بر ما داشته باشد؟



ب) مراتب امر به معروف و نهی از منکر

برای انجام «امر به معروف و نهی از منکر» مراتبی وجود دارد که شامل درجات خفیف تا شدید است، و تا زمانی که درجه خفیف کافی باشد نباید از درجه شدیدتر استفاده نمود. این مراتب، عبارت‌اند از:

۱- **مرتبه قلبی**: در این مرتبه، شخص، ناراحتی قلبی خود را به سبب مشاهده گناه، از طریق چهره، طرز نگاه یا رفتار به مخاطب انتقال می‌دهد و به مخاطب می‌فهماند که کارش اشتباه است و مورد رضایت و تأیید نیست. این مرتبه خود دارای درجات متعدد است که از حالت صمیمانه و دوستانه آغاز، و به حالت جدی و غیر محبت‌آمیز می‌تواند منتهی شود.^۱

۲- **مرتبه زبانی**: در صورتی که مخاطب با زبان رفتار متوجه زشتی عمل خود نشود و از آن دست بردارد، نوبت به مرحله زبانی می‌رسد؛ صحبت، سؤال، نصیحت، تشویق و توصیه، از درجات خفیف این مرتبه‌اند؛ گاهی نیز لازم است از مراحل شدید زبانی مانند سرزنش و بازخواست استفاده نمود. تشخیص مرحله و درجه مناسب، بستگی به شرایط زمانی و مکانی دارد و باید با دقت تمام، صورت گیرد.

۳- **مرتبه عملی**: این مرتبه عبارت است از دور نمودن ابزار گناه، جلوگیری از انجام گناه، تدبیر عملی برای انصراف فرد از معصیت و مشغول نمودن وی به کارهای مفید، آموزش عملی ترک منکر و انجام معروف از طریق عمل به معروف و ترک منکر و الگو بودن برای دیگران، و به طور کلی؛ تمام اقدامات عملی جهت دور نمودن فرد از محیط گناه.^۲

۱- با اینکه اثرات این مرتبه گاهی مؤثرتر از مرتبه زبانی است، بسیاری از متدینین از اهمیت آن غافل‌اند و فقط از تذکر زبانی استفاده می‌کنند. گاهی نیز در صورت مؤثر واقع نشدن تذکر زبانی، استفاده از این مرتبه (مانند قهر کردن یا بی‌اعتنایی کردن) بسیار مؤثر است.

۲- برای آگاهی بیشتر درباره امر به معروف عملی رجوع کنید به: حماسه حسینی، ج ۲، ص ۹۶ به بعد.

* تذکر : مراحل شدید استفاده از زور که ممکن است به ضرب و جرح منجر شود جایز نیست، مگر در مورد دفاع از جان و ناموس خود یا دیگران. همچنین اگر اسلام در خطر باشد، با اذن امام معصوم (علیه السلام) یا ولی فقیه باید به مقابله با دشمنان اسلام پرداخت. از این رو، جهاد در برابر دشمنان نیز نوعی «امر به معروف و نهی از منکر» عملی محسوب می شود.



برای مطالعه

حکایتی درباره «امر به معروف و نهی از منکر» به شیوه جاهلانه

شهید بزرگوار مرتضی مطهری (رحمت الله علیه) چندین حکایت از روش های نادرست امر به معروف و عواقب آن را نقل نموده که یکی از آنها چنین است :

«یکی از آقایان نقل می کرد که مردی در مشهد، نه تنها نماز نمی خواند و روزه نمی گرفت؛ بلکه به هیچ چیزی اعتقاد نداشت؛ یک آدم ضدّ دین بود؛ می گفت مدت زیادی با این آدم صحبت کردیم تا اینکه نرم شد و روش خود را به کلی تغییر داد و واقعاً معتقد و مؤمن شد. نمازش را می خواند و روزه اش را می گرفت و مقید شده بود که نمازش را با جماعت در مسجد گوهرشاد بخواند. در جلسات مذهبی ما هم شرکت می کرد. مدتی دیدیم که از این آقا خبری نیست. گفتیم لابد رفته است مسافرت، ولی رفقا گفتند اینجاست و نمی آید. تحقیق کردیم ببینیم علت چیست که یک مرتبه از دین و مذهب رو برگردانده؟ به سراغش رفتیم. معلوم شد قضیه از این قرار بوده است :

پس از چند روز که به نماز جماعت می رفت و در صف چهارم، پنجم می ایستاد، یک روز یکی از مقدس مآب هایی که در صف اول پشت سر امام می نشست موقع نماز از صف اول بلند می شود و می آید و روبه روی این آدم می نشیند و می گوید : «آقا! یک سؤال از شما دارم! شما مسلمان هستید یا نه؟» این بیچاره با تعجب پاسخ داد : «این چه سؤالی است که شما می کنید؟ اگر مسلمان نباشم، پس در صف جماعت مسجد چه کار می کنم؟»! جواب داد : «اگر مسلمانی پس چرا ریشت را این طور کرده ای؟». او هم به شدت ناراحت شده، برمی خیزد و می گوید : «این مسجد و این نماز جماعت و این دین و مذهب مال خودتان!». رفت که رفت»^۱.

استاد ضمن نقل این حکایت و تأسف درباره آن می‌گوید: «این هم یک جور به اصطلاح «نهی از منکر» کردن است. یعنی فراری دادن و بیزار کردن مردم از دین!». برای همین ائمه دین فرموده‌اند: جاهل بهتر است امر به معروف و نهی از منکر نکند؛ زیرا جاهل هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند می‌خواهد بهتر کند؛ اما بدتر می‌کند. شاید شما بگویید ما جاهلیم، پس امر به معروف و نهی از منکر از ما ساقط شد! اما جواب شما را داده‌اند؛ خدا عقل را برای چه آفریده است؟ برای اینکه بفهمی، تحقیق کنی. تو باید از آن کسانی باشی که نه تنها اوضاع زمان خودت را درک کنی؛ بلکه آینده را نیز بفهمی و درک کنی»^۱.



بیندیشید و پاسخ دهید



- ۱- تفاوت انسان فاسق را با انسانی که ناخواسته مرتکب گناهی شده است بیان نموده، روش نهی از منکر هر یک را توضیح دهید.
- ۲- مضرات روش های نادرست «امر به معروف و نهی از منکر» را بشمارید.
- ۳- آیا توهین، سرزنش، تحقیر، ضرب و شتم، و هتک آبرو، جزء روش‌های «امر به معروف و نهی از منکر» محسوب می‌شوند؟ چرا برخی افراد از این روش‌ها استفاده می‌کنند؟
- ۴- در حکایت پیشین، اشتباه عمده‌ای که از سوی آن فرد مقدس مآب صورت گرفت، چیست؟ و شیوه صحیح نگرش و رفتار را در موارد مشابه بیان نمایید.



دلایل کم‌رنگ شدن «امر به معروف و نهی از منکر» در جامعه را برشمارید و راه‌های گسترش «معروف» را در جامعه پیشنهاد دهید.

دفاع و جهاد

بر شما کارزار (در راه خدا) تکلیف شده	كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ
ولی برایتان ناخوشایند است.	وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ
و چه بسا چیزی را خوش نمی دارید،	وَ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا
ولی خیر شما در آن است،	وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ
و چه بسا چیزی را دوست دارید،	وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا
ولی برای شما بد است.	وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ^۱

● در دو درس قبلی به «امر به معروف و نهی از منکر» پرداختیم و در این درس با احکام دفاع و جهاد که نوعی از نهی از منکر به شمار می‌رود، آشنا می‌شویم.

الف) مفهوم جهاد

جهاد عبارت است از تلاش و مبارزه در راه خداوند و دفاع از مسلمانان و مظلومان، به منظور برپاداشتن حق و عدالت و برطرف ساختن ظلم و تجاوز و فتنه و فساد.

ب) انواع جهاد

جهاد انواعی دارد:

- ۱- جهاد دفاعی: عبارت است از دفاع در برابر تجاوز دشمن به حریم مسلمانان.
- ۲- جهاد ابتدایی: عبارت است از جهاد با کفار برای برچیدن نظام ظلم و گسترش عدالت. هدف از این نوع جهاد، کشورگشایی نیست؛ بلکه هدف آن، رفع موانع سلطه‌گران و بهره‌مندی مردم از حق هدایت و آشنایی با اسلام، و برخورداری از حق آزادی و عدالت است.

۱- سوره بقره، آیه ۲۱۶

- ۱- برای هر یک از اقسام جهاد، یک یا چند مثال تاریخی بزنید.
- ۲- این جمله را توضیح دهید: «جهاد ابتدایی نیز گونه‌ای از جهاد دفاعی است».

به این آیات توجه کنید:

- ۱- «و بجنگید - در راه خدا- با کسانی که به جنگ با شما برخاسته‌اند، ولی از حد تجاوز نکنید که خداوند متجاوزان را دوست ندارد».^۱
- ۲- «و اگر دو گروه مؤمن، به منازعه برخاستند، بین آن دو صلح برقرار کنید. و اگر یکی از آنها، بر دیگری حمله کرد، با گروه متجاوز بجنگید تا به اطاعت امر خداوند بازگردد؛ و در صورت بازگشت، در میان آن دو صلح و آشتی عادلانه برقرار سازید».^۲
- ۳- «و با آنها بجنگید، تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین، مخصوص خداوند گردد. و اگر (از روش خود) دست برداشتند، تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست».^۳

- ۱- موارد صحیح جنگ با دشمن و موارد آتش‌بس با دشمن را با توجه به آیات قرآن بیان کنید.
- ۲- تفاوت آتش‌بس با دشمن، به سبب مصالح شرعی و عقلی، با سازش و ترس از دشمن را توضیح داده، معیارهایی جهت تشخیص این مصالح ارائه دهید.



ج) انواع دفاع

- دفاع انواع گوناگونی دارد که در اینجا به بررسی دو نوع مهم آن می‌پردازیم:
- ۱- دفاع از کیان اسلام و حریم مسلمانان: اگر دشمن، به شهر یا منطقه‌ی مرزی مسلمانان

۱- بقره، ۱۹۰

۲- حجرات، ۹

۳- بقره، ۱۹۳

هجوم آورد، و خطر، جامعه اسلامی و مسلمانان را تهدید کند، بر همه واجب است تا به هر وسیله ممکن، با بذل مال یا جان خویش، از حریم اسلام و مسلمانان دفاع نمایند و به اجازه امام معصوم یا ولی فقیه نیازی نیست. کشتگان در این دفاع، شهید محسوب می‌شوند.

تهاجم دشمن گاهی نظامی است و گاهی فرهنگی؛ گاهی جهت تصرف سرزمین یا بخشی از آن است و گاهی جهت تسلط سیاسی یا اقتصادی بر جامعه. گاه مسلمان اند و گاه غیر مسلمان. در تمام این حالات بر هر مکلف واجب است از وطن، فرهنگ، مال و جان و ناموس مسلمانان محافظت کرده و با کمک مالی، فکری، عملی و اهدای جان خود، به دفاع برخیزد.

اگر این خطر وجود داشته باشد که کفار از نظر سیاسی و اقتصادی بر مسلمانان مسلط شوند، دفاع واجب است؛ چه از طریق مقابله به مثل و به کارگیری وسایل و روش‌های دشمن، و چه از طریق مقاومت منفی و تحریم کالای دشمن، یا قطع ارتباط سیاسی، اقتصادی با آنان.



با توجه به مطالب بالا، پاسخ پرسش‌های زیر را بیابید:

- ۱- مقصود دشمن از حمله به کشورهای مسلمان، تأمین چه اهدافی است؟
- ۲- در جهان امروز، چه توجیهاتی برای تهاجم به کشورها یا شهرها به کار گرفته می‌شود؟
- ۳- کوتاه آمدن مسلمانان در برابر بیگانگان چه عواقبی به همراه دارد؟

آشنایی با برخی احکام و آداب دفاع و جهاد

● دفاع از اسلام و مسلمانان واجب است و نیازمند اجازه والدین نیست، هر چند سزاوار این است که حتی المقدور رضایت آنان نیز جلب شود.

● فردی که در میدان جهاد با کفار یا مشرکان کشته می‌شود، بدون غسل و کفن و با همان لباس‌های جنگ به خاک سپرده می‌شود. اما افرادی که خارج از معرکه جهاد به شهادت می‌رسند، باید غسل و کفن شوند.

● تمام گناهان شهید، به جز حق الناس، به هنگام شهادت بخشیده می‌شود.

● از آداب جهاد این است که در صورت امکان، ابتدا دشمن را موعظه کنند، و در صورتی که

صادقانه پذیرفتند، با آنان قرارداد صلح امضا نمایند. مسلمانان وظیفه دارند تا زمانی که دشمن آن را نقض نکند، به این قرارداد پایبند باشند و مال و جان آنان را محترم شمارند.

● سرنوشت افرادی که در جنگ به اسارت درمی‌آیند در اختیار امام معصوم (علیه‌السلام) یا ولی فقیه است.

۲- دفاع از جان، ناموس و اموال خود: دفاع از جان و ناموس و مال خود، در برابر افراد ظالم و متجاوز واجب است و در صورت کشته شدن، اجر شهید را خواهد داشت؛ ولی به خطر انداختن جان، به واسطه گفتار بی‌ثمر یا رفتار نسنجیده، در جایی که ضرورت یا فایده‌ای ندارد، جایز نیست و حتی امر به معروف نیز محسوب نمی‌شود.

اگر فرد متجاوز، به انسان هجوم آورد و خواست او را به قتل برساند، واجب است به هر وسیله ممکن، او را دفع کند و جایز نیست که تسلیم وی شده، تن به ظلم دهد. و اگر امکان داشته باشد که از جنگ مهاجم فرار کند، چنین کاری جایز است و اگر متجاوز پا به فرار گذاشت جایز نیست به او ضربه‌ای وارد کرد، وگرنه ضامن هستیم.

اگر مهاجم قصد جان یا ناموس فرد را داشته باشد، حتی اگر دفاع کننده یقین دارد که مقابله با او سودی ندارد و در این دفاع کشته می‌شود، دفاع کردن واجب است. اما اگر قصد مهاجم فقط بردن اموال او باشد، اگر یقین داشته باشد که در هنگام دفاع کشته می‌شود، دفاع واجب نیست؛ زیرا حفظ جان از حفظ مال مهم‌تر است. و اگر به تنهایی قدرت دفاع از جان خود نداشته باشد، کمک گرفتن از دیگری واجب است؛ هر چند که او کافر باشد.



- ۱- چرا تسلیم نشدن در برابر ظلم، مورد تأکید اسلام است؟
- ۲- چرا یاری گرفتن از کافر، برای دفع ظلم، ناپسند نیست؟

دفاع از خویشان و بستگان مانند فرزند، همسر و دفاع از افراد مظلوم و بی‌گناه، مانند دفاع از خود واجب و احکام آن یکسان است.

در دفاع، رعایت مراتب، لازم است و تا زمانی که با اقدام خفیف‌تر می‌توان خطر را برطرف نمود، نباید دست به کار شدیدتر زد؛ مثلاً اگر مهاجم با تهدید یا بستن دست و پا یا مجروح ساختن از کار خود دست برمی‌دارد، باید به همان اکتفا نمود. و اگر دفع تجاوز فقط به وسیله کشتن متجاوز میسر

می‌شود، جایز است او را به قتل برساند.^۱
اما اگر بداند که با مراعات ترتیب، وقت از دست می‌رود و دزد یا ظالم، بر جان یا ناموس وی غالب می‌شود رعایت ترتیب لازم نیست.

برای مطالعه

اگر دو نفر به ناحق با یکدیگر درگیر شوند، آغازکننده ضامن است و دفاع‌کننده ضامن نیست، اما اگر همزمان به یکدیگر حمله‌ور شده باشند، هریک ضامن جنایت وارده بر دیگری است، و اگر در هنگام درگیری، یکی دست از حمله بردارد و دیگری به او حمله کند و خسارتی بر او وارد آورد، تنها او ضامن است.



بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- هدف از تشریح حکم جهاد را در اسلام بیان نمایید.
- ۲- تفاوت جهاد با جنگ افروزی چیست؟



پیشنهاداتی برای تحقیق درسی

- ۱- برخی معتقدند جنگیدن و دفاع، به هیچ وجه صحیح نیست، و برای پرهیز از جنگ و درگیری، باید از حق خود گذشت و به برخی از خواسته‌های دشمن تن داد. نظر شما درباره این عقیده و عواقب آن چیست؟ آیا چنین روشی در جهان امروز امکان‌پذیر است؟ نمونه‌های آن را بیان نمایید.
- ۲- قیام کربلا، انقلاب اسلامی ایران، هشت سال دفاع مقدس، جنگ ۳۳ روزه لبنان و دفاع ۲۲ روزه غزه، نمونه‌هایی از جهاد و دفاع اسلامی‌اند. یکی از این موارد را از لحاظ هدف و شرایط تحلیل کنید و به اشکالات مخالفان جهاد پاسخ دهید.

۱- در مواردی که برای دفاع از خود، زدن و زخمی کردن و کشتن مهاجم جایز است، منظور جواز شرعی است؛ اما از نظر قانونی، قاضی طبق ظاهر و موازین قضایی حکم می‌کند. بنابراین، اگر کسی را به قتل برساند و شهادی بر حقانیت خود نداشته باشد، قاضی مطابق مقررات، وی را محکوم به قصاص می‌کند.

حدود معاشرت محرم و نامحرم

پس یکی از آن دو زن (دختران شعیب)	فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا
در حالی که با حیاراه می‌رفت،	تَمْشَى عَلَى اسْتِحْيَاءٍ
نزد وی (حضرت موسی) آمد (و) گفت: پدرم	قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ
از شما دعوت می‌کند	
تا (به نزدش برود و او) پاداش آب دادن	لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا
(به گوسفندان ما) را به شما پرداخت کند.	سَقَيْتَ لَنَا.

● این درس نیز مانند دو درس پیشین دربارهٔ احکام اجتماعی اسلام است. در این درس با احکام مربوط به حدود ارتباطات محرم و نامحرم آشنا خواهیم شد.

مقدمه

مردم هر جامعه، اعم از مرد و زن، در زمینه‌های گوناگون با یکدیگر در ارتباط‌اند و در این ارتباط گاهی نیازمند گفت‌وگو، دیدار و تبادل نظرند. این امور شامل مسائل اقتصادی (خرید و فروش)، اجتماعی (رابطه با اقوام، همسایگان، دوستان و دیگران) و آموزشی می‌گردد. شکل این روابط در هر جامعه‌ای آداب و رسوم مربوط به خود را دارد. دین اسلام نیز در مورد نحوهٔ ارتباط صحیح و مناسب با دیگران، احکامی مقرر کرده که در اینجا برخی از آنها که مربوط به ارتباط محرم و نامحرم است مطرح خواهد شد.

الف) فلسفه تبیین حدود معاشرت

احکام دستورات دین در حوزهٔ محرم و نامحرم که به‌عنوان «بهترین روش در تعامل افراد اجتماع»، از سوی خداوند حکیم به جهانیان ارائه شده است، جهت برقراری روابط سالم اجتماعی، تأمین سلامت روحی و روانی افراد، استحکام بنیان خانواده، و نیز حضور بدون مفسده‌ای مردان و زنان در فعالیت‌های اجتماعی وضع شده و اجرای آن موجب کاهش جرم و جنایت، مزاحمت‌های اجتماعی، اختلافات خانوادگی، و امکان حضور بدون دغدغهٔ افراد «عفیف»، «پاک» و «باغیرت»، با رعایت آراستگی ظاهری در جامعه خواهد شد.

ب) تعریف محرم و نامحرم

افراد جامعه به دو گروه «محرم» و «نامحرم» تقسیم می‌شوند؛ محرم کسی است که از بستگان درجه اول محسوب می‌شود و ازدواج با او برای همیشه ممنوع است؛ مانند پدر و مادر و برادر و خواهر. محارم می‌توانند با یکدیگر صحبت محبت‌آمیز داشته باشند، به چهره و موی دیگری نگاه بیندازند. دست دادن و دیده‌بوسی میان محارم مجاز است. «نامحرم» کسی است که معاشرت با وی محدودیت‌های شرعی و عرفی دارد و تنها با ازدواج، این محدودیت‌ها برداشته می‌شود.

ج) انواع محارم

محارم به سه گروه تقسیم می‌شوند: نسبی، سببی و رضاعی.

۱- نسبی (خویشاوندی): یعنی کسانی که به‌واسطهٔ خویشاوندی با انسان «محرم» می‌باشند. این گروه عبارت‌اند از: پدر، مادر، فرزند، خواهر، برادر، دایی، عمو، خاله، عمه، پدربزرگ، مادربزرگ، نوه، فرزند خواهر (خواهرزاده)، فرزند برادر (برادرزاده). بنابراین، دخترعمو، پسرعمو، دختردایی، پسر دایی، دخترخاله، پسرخاله، دخترعمه، پسرعمه، گرچه از خویشان هستند، اما همگی «نامحرم» هستند. همچنین زن‌عمو، زن‌دایی، شوهرخاله، و شوهرعمه نیز «نامحرم» می‌باشند. «فرزندخوانده» نیز حکم فرزند حقیقی را ندارد و «نامحرم» محسوب می‌شود.

۲- سببی: یعنی کسانی که به‌سبب ازدواج با انسان «محرم» می‌شوند و عبارت‌اند از: همسر، مادر همسر، پدر همسر، همسر فرزند (داماد یا عروس)، همسر پدر (نامادری)، همسر مادر (ناپدیری). این

محرمیت‌ها در تمام موارد دائمی است^۱، به جز زن و شوهر که در صورت طلاق، و پس از گذشت عده، به یکدیگر نامحرم می‌شوند.

❖ **تذکر مهم:** شوهر خواهر، زن برادر، خواهر زن، و برادر شوهر، همگی نامحرم‌اند. این را هم بدانیم که خواهر زن، با وجود اینکه نامحرم است، ازدواج با او جایز نیست، اما اگر همسر انسان فوت نماید یا طلاق صورت گیرد، ازدواج با وی جایز خواهد بود.

۳- رضاعی: یعنی کسانی که به واسطه «شیر خوردن از یک مادر، با یکدیگر محرم می‌شوند» اگر مادری بچه شیرخواره دیگری را، با شرایطی که در کتاب‌های فقهی آمده است، شیر دهد، فرزند رضاعی آن مادر محسوب شده، و علاوه بر محرمیت با آن مادر، با نوزادانی که از آن مادر شیر خورده‌اند، محرم می‌شود؛ البته این محرمیت فقط مخصوص طفل شیرخوار بوده و شامل برادر یا خواهر وی نمی‌گردد.



شرایط تحقق محرمیت رضاعی را از رساله‌های توضیح المسائل استخراج و در کلاس درس ارائه کنید.

(د) حدود و احکام ارتباط با نامحرم

۱- تماس بدنی: هرگونه تماس بدنی با نامحرم، حتی اگر با واسطه هم باشد، حرام است. و فقط محارمانند که حق دارند در معاشرت‌های خود، با یکدیگر دست داده، روبوسی کرده و یکدیگر را در آغوش بگیرند.

۲- خلوت با نامحرم: حضور دو نامحرم در مکانی که شخص دیگری به آنجا رفت و آمد ندارد حرام است، حتی اگر برای کار خیر باشد. باقی ماندن در آن مکان حرام و حتی نماز خواندن در آن مکان اشکال دارد. آن دو نفر در صورت مواجه شدن با چنین شرایطی، واجب است فوراً آنجا را ترک کنند.

۳- گفت و گو: گفت و گو با نامحرم در صورت ضرورت، با رعایت حدود شرعی جایز، و بیش از حد ضرورت، مکروه است. اما ارتباط صمیمانه و دوستی با نامحرم، هرچند به قصد کسب

۱- به‌عنوان نمونه، محرمیت با مادرزن و حتی پس از جدایی زن از شوهر از بین نمی‌رود.

تجربه یا همسریابی باشد، جایز نیست. روش برقراری ارتباط نیز تفاوتی ندارد؛ هرگونه نامه‌نگاری، ارتباط اینترنتی (چت)، پیامک یا گفت‌وگوی تلفنی، باید در چارچوب شرع باشد. فردی که قصد جدی و آمادگی لازم برای ازدواج را دارد، مجاز است با اجازه و نظارت خانواده دو طرف، سؤالات خود را از طرف مقابل بپرسد، به شرطی که از حدود شرعی خارج نشود و فضای گفت‌وگو از حالت عادی و رسمی خارج نگردد.

بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- چرا دین اسلام در مورد معاشرت محرم و نامحرم محدودیت‌هایی را ایجاد کرده است؟
- ۲- در صورت از بین رفتن این محدودیت‌ها چه اتفاقاتی در جامعه رخ خواهد داد؟
- ۳- بهترین راه انتخاب و شناخت همسر مناسب چیست؟

پیشنهاد

- توجیحات برخی جوانان درباره برقراری رابطه و گفت‌وگو با نامحرم را بررسی کرده و با توجه به ابعاد مثبت و منفی این ارتباطات، پاسخ‌های منطقی و قابل قبولی برای آن ارائه نمایید.
- ۲- با مطالعه آیات ۲۳ الی ۲۶ سوره قصص، و با یاری از تفاسیر قرآن، حدود ارتباطات اجتماعی زن و مرد را ترسیم نمایید.

احکام پوشش و نگاه

به مؤمنان بگو: چشم‌های خود را
(از نگاه به نامحرمان) فروگیرند،
و عفاف خود را حفظ کنند
این برای آنان پاکیزه‌تر است؛
خداوند از آنچه انجام می‌دهید
آگاه است!

و به زنان با ایمان بگو چشم‌های
خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند،
و دامان خویش را حفظ کنند.
و زینت خود را - جز آن مقدار که
نمایان است - آشکار ننمایند
و (اطراف) روسری‌های خود را بر
سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن
پوشانده شود)،
و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای
شوهرانشان،
یا پدرانشان،
یا پدر شوهرانشان،

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ
وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ
ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ
إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ
وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ
وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا
وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ

وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ
أَوْ آبَائِهِنَّ
أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ

یا پسرانشان،	أَوْ أَبْنَائِهِنَّ
یا پسران همسرانشان،	أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ
یا برادرانشان،	أَوْ إِخْوَانِهِنَّ
یا پسران برادرانشان،	أَوْ بَنَى إِخْوَانِهِنَّ
یا پسران خواهرانشان،	أَوْ بَنَى أَخَوَاتِهِنَّ
یا زنان هم کیششان، یا بردگانشان	أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ
[کنیزانشان]	

أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِثْمَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ

یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند

و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند

تا زینت پنهانی شان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد).
و همگی به سوی خدا بازگردیدای مؤمنان،
تارستگار شوید!

وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ

لِيُعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ

و تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

● در درس پیش، برخی حدود ارتباط با نامحرم مطرح گردید. در این درس با موضوع مهم در این ارتباط، یعنی «پوشش» و «نگاه» آشنا خواهیم شد.

الف) پوشش

رعایت پوشش مناسب در محیط جامعه و خانواده از وظایف یک مسلمان است. لباس علاوه بر زیبایی و حفظ بدن از آسیب‌های محیطی و گرما و سرما، نمادی از فرهنگ و شخصیت فرد است و یک نوع شعار محسوب می‌شود. به همین دلیل، انتخاب نامناسب آن

می‌تواند موجب آسیب اجتماعی و نگاه نادرست دیگران گردد.

آراستگی و پرهیز از ژولیدگی، جزء دستورات دین است و اولیای الهی در کنار تهذیب نفس و زیبا نمودن باطن، به دستورات دین دربارهٔ پاکیزگی و آراستگی ظاهر اهمیت می‌دادند، تا حدی که آراستگی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) زبانزد عام و خاص بود. پوشیدن لباس سفید، استعمال بوی خوش، شانه‌زدن مو، در کنار دستورات متعدد طهارت و شست و شو، غسل و وضو، همه نشان از پسندیده‌بودن این صفت در اسلام دارد.^۱ این آراستگی نیز، حدودی دارد که اگر از آن تجاوز شود، نامطلوب و گاهی مضر خواهد بود.^۲

* احکام مشترک پوشش برای مردان و زنان

اسلام ضمن پذیرش تنوع و گوناگونی نوع پوشش در مناطق مختلف و زمان‌های گوناگون، بر حفظ وقار و شخصیت اشخاص در جامعه تأکید نموده و هماهنگی نوع لباس را با ارزش‌های اخلاقی لازم می‌داند. به همین منظور احکام ذیل وضع گردیده است:

- ۱- پوشیدن لباس شهرت که فرد را نزد مردم انگشت‌نما می‌کند حرام است.
- ۲- استفاده از لباس مختص غیرمسلمانان، گروه‌های گمراه، و افراد بدنام غیرجایز و حرام است.
- ۳- هر پوششی که متناسب با شأن فرد نباشد و موجب وهن شخصیت او در اجتماع شود ممنوع است.

- ۴- تشبیه مرد به زن و بالعکس حرام است؛ این شبیه شدن شامل: نوع لباس، نوع آرایش مو، ابرو و سایر موارد می‌شود.

تأمل

دربارهٔ حکمت این حکم تأمل کرده و عواقب مراعات نشدن آن را بیان کنید.

- ۵- هر نوع پوشش که موجب جلب توجه نامحرم و تحریک او می‌شود، ممنوع است.

* پوشش زنان (حجاب)

* فلسفهٔ حجاب

۱- برخی از این روایات چنین است: دو رکعت نماز با بوی خوش، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است (نواب الاعمال صدوق، ص ۳۶۲). خداوند از اینکه کسی خود را ژولیده نشان‌دهد بدش می‌آید (امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۷۵). آراستگی از صفات مؤمنان است (غررالحکم، ج ۱، ص ۳۰۷).

۲- برای اطلاع بیشتر از آداب پوشش به کتاب «مفاتیح الحیاة» آیت‌الله جوادی آملی مراجعه نمایید.

۱- **محافظت از نعمت زیبایی و ظرافت** : خداوند، زنان را از نعمت زیبایی و ظرافت بیشتری بهره‌مند ساخته است؛ این خصوصیت موجب توجه بیشتر مرد به همسر خویش و استحکام بنیان خانواده می‌شود. در مقابل، زن می‌بایست **محافظت** بیشتری از خود به عمل آورد تا این زیبایی، مورد سوءاستفاده دیگران قرار نگیرد. دو صفت «حیا» و «عفت» بهترین ابزار محافظت از این لغت است که در زنان، بیش از مردان قرار داده است. حیا و عفت درونی، پوشش مناسب بیرونی را توصیه می‌کند و حجاب اسلامی، در راستای تقویت حیا و عفت گام برمی‌دارد.

۲- **جلوگیری از فروپاشی خانواده** : حفظ حریم خانواده، وظیفه همه اعضای خانواده است. بی‌توجهی به حجاب موجب بازشدن نگاه‌های ناپاک به حریم پاک خانواده، گسترش روابط نادرست بیرون خانه و متزلزل شدن خانواده می‌گردد.

۳- **حیای فطری** : انسان‌ها به‌طور فطری از نمایان شدن اندام خود و در معرض قرارگرفتن آن، حیا می‌کنند؛ لذا از دیرباز گرایش به پوشش و عفاف، کم و بیش، در میان زنان و مردان تمام اقوام و ملت‌ها وجود داشته، و امری فطری به شمار می‌رفته است. البته هر قوم آداب مربوط به خود را در پوشش داشته است. بنابراین، داشتن حجاب و پوشش مناسب محتاج استدلال نیست؛ بلکه بدپوششی و برهنگی عصر جدید جای سؤال و تعجب دارد.

برای مطالعه

* **علل گرایش به خودنمایی**

نیاز به توجه، تحسین و پذیرش از سوی اجتماع، از نیازهای انسان است. در دوره نوجوانی، برخی نیازها پررنگ‌تر می‌شود و بیشتر خود را نشان می‌دهند؛ مانند محبوبیت و جلب توجه.

روش صحیح به‌دست آوردن مقبولیت اجتماعی، تلاش علمی، خلاقیت، پشتکار، سودرسانی، مفید واقع شدن، و جلب اعتماد دیگران است؛ ولی برخی با استفاده از روش‌های ناصحیح مانند: پوشیدن لباس‌های نامناسب، آرایش غلیظ مدل‌های عجیب مو، سیگار کشیدن، و انجام رفتارهای پرخطر، به دنبال خودنمایی و جلب توجه دیگران‌اند.

قرآن کریم مظاهر عفاف را برای مردان و زنان معرفی کرده است. آیا می‌توانید آنها را نام ببرید؟

۴- کاهش گناه و منکرات : پوشش مناسب زن علاوه بر آنکه موجب حفظ خود و امنیت خانواده می‌شود، باعث عفت بیشتر مردان و کاهش میزان گناه در جامعه می‌گردد. بنابراین، زنان نه تنها مسئول حفظ امنیت و معنویت خودند؛ بلکه کلیددار سلامت جامعه از فساد و فحشا و گسترش منکرات اند.

رعایت حریم‌ها و دستورات دین موجب افزایش سلامت اخلاقی جامعه، و سوق به معنویت و پاکی می‌گردد. چنین جامعه‌ای بهتر می‌تواند مسیر پیشرفت را بییماید.

۵- شناخته شدن زنان پاک : قرآن کریم یکی از فواید حجاب را شناخته شدن زنان عقیف و پاکدامن از زنان ناپاک دانسته و کاهش مزاحمت‌های اجتماعی را نتیجه آن شمرده است.

۶- افزایش آرامش روانی : با کاهش نگاه‌های بیرونی دغدغه‌های مختلف درونی در محیط کار و اجتماع به شدت کاهش یافته و آرامش روحی جایگزین می‌گردد. رقابت‌های نامناسب در محیط کاهش می‌یابد و مردان و زنان با آرامش بیشتری به کار مشغول‌اند.

۷- حضور امن در فعالیت‌های اجتماعی : یک زن متدین، با رعایت حجاب و سایر احکام معاشرت، می‌تواند در کمال امنیت در جامعه فعالیت نموده و کمترین مزاحمت را شاهد باشد. اگر حجاب نبود، زنان پاکدامن مجبور به کناره‌گیری از فعالیت‌های اجتماعی و عرصه‌های عمومی بودند. دین اسلام، راه میانه بین خانه‌نشینی زن و حضور بی‌محابای وی در جامعه را به عنوان بهترین روش حضور زن در جامعه ارائه نموده است.

۸- توجه به جنبه انسانی به‌جای جنبه جنسیتی : یکی از مهم‌ترین ثمرات حجاب، تغییر نگاه جنسیتی به نگاه انسانی است. در طول تاریخ، زنان همواره به دلیل جذابیت و زیبایی مورد توجه بوده‌اند. رعایت حجاب و عفاف موجب می‌شود تا توجه به جنبه انسانی وی برجسته گردد و شخصیت انسانی، جایگزین جذابیت جنسیتی شود.

با مطالعه مطالب بالا و مراجعه به تفسیر آیه ۵۹ سوره احزاب، مصونیت بخشی حجاب و نقش آن در امنیت اجتماعی را تبیین نمایید.

* حجاب در سایر ادیان و دیگر ملت‌ها

در طول تاریخ، گرایش به پوشش و عفاف یک گرایش فطری در میان زنان و مردان بوده، و شکل آن، رابطه مستقیمی با سطح اعتقاد و پایبندی به اصول و ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی آن جامعه داشته است. ادیان الهی از دیرباز بر رعایت آداب معاشرت، از جمله پوشش، تأکید ورزیده و دینداران به آن پایبند بوده‌اند. زنان یهودی و مسیحی هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را می‌پوشانند و راهبه‌های مسیحی سعی در حفظ کامل حجاب دارند؛ دارا بودن حجاب کامل، نشانه عفت و پاکدامنی بیشتر و پایبندی به احکام دین و تقرب به خداوند تلقی می‌شده است.

زنان ایرانی قبل از پیدایش اسلام، عموماً پیرو آیین زرتشت بودند و با پوشش کامل در مکان‌های عمومی رفت و آمد می‌کردند. مردان ایرانی نیز همان‌گونه که در نقش‌های باستانی تخت‌جمشید نمایان است دارای لباس‌های بلند، و کلاهی جهت پوشش موی سر بوده‌اند. تالار زنان نیز از مردان جدا بوده است.

* **حجاب در اسلام:** دین اسلام نیز مانند ادیان قبل از خود بر رعایت پوشش و عفاف تأکید کرده و حدود آن را کامل‌تر و دقیق‌تر تبیین نموده است. در آیه ۳۱ سوره نور می‌خوانیم:

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ ۚ وَ زِينَتُهُنَّ

إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا

مگر آن (زینتی) که (به طور طبیعی) ظاهر و آشکار است؛ (مانند چهره)؛

وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ

و باید روسری خود را بر روی سینه و گریبان خویش بیندازند.

* حدود حجاب برای زنان:

زنان موظف‌اند پوشش خود را به گونه‌ای تنظیم نمایند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را هم بپوشانند، و به‌جز صورت و دو دست (از مچ تا سر انگشتان)، می‌بایست تمام بدن خود را از

نامحرم بپوشانند. البته صورت و دست‌ها نیز با دو شرط می‌تواند بدون پوشش باشد :

۱- نداشتن زینت و آرایش،

۲- نداشتن مفسده.

حجاب، فقط پوشاندن ظاهر اندام‌ها نیست؛ بلکه پوشاندن حجم اندام‌ها و پرهیز از امور تحریک‌کننده را نیز شامل می‌شود. بنابراین، پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان و رنگ‌های تحریک‌کننده جایز نیست. بهترین نوع پوشش که حجم بدن را نیز می‌پوشاند «چادر» است که از دیرباز انتخاب زنان ایرانی و مسلمان بوده است.



ب) نگاه

از دیگر احکام معاشرت محرم و نامحرم، رعایت حدود نگاه است. در عرصه اجتماع، نگاه حدودی دارد که رعایت آن موجب حفظ حریم شخصی دیگران، و پاک ماندن دل می‌گردد.

آیه ۳۱ سوره نور

با تأمل در آیه ۳۱ نور نکات زیر به دست می‌آید :

۱- مردان وظیفه دارند از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند.

۲- خودداری از نگاه به نامحرم، موجب سالم ماندن قلب از آلودگی و دور شدن انسان از لغزش

می‌شود.

۳- زنان نیز وظیفه دارند از نگاه غیرضروری به نامحرم بپرهیزند و دامان خود را از گناه حفظ

نمایند.



نکات ذکر شده را در آیه ابتدای درس بیابید و نشان دهید.

* حدود نگاه :

۱- به جز زن و شوهر، نگاه به افراد دیگر به قصد لذت‌جویی حرام است؛ خواه محرم باشد یا

نامحرم، مرد باشد یا زن، کودک باشد یا بالغ، پیر باشد یا جوان، نگاه به صورت باشد یا عضوی دیگر.

۲- نگاه کردن به صورت زن نامحرم، در صورتی که زن آرایش نداشته باشد و مرد قصد لذت

نداشته باشد، جایز است. هر چند بهتر است در موارد غیر ضروری از نگاه به صورت نامحرم پرهیز شود (به خصوص در مورد جوانان).

۳- نگاه به حریم خصوصی دیگران، (مانند نگاه به داخل منزل، اسناد، موبایل و...) تجسس محسوب شده و حرام است.

۴- نگاه به مو و بدن محارم، بدون قصد لذت جایز است، اما شایسته این است که اعضای بدن در حد معمول پوشانده شود، به ویژه در مقابل جوان و نوجوان.

۵- نگاه به تصویر نامحرم، اگر نگاه کننده، او را بشناسد، نیز مانند نگاه مستقیم به او جایز نیست.

در خصوص نگاه به زنان مسلمان و غیر مسلمان در فیلم ها و سریال های خارجی به فتوای مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

چند مسئله

۱- همان طور که نظر کردن مردان به بدن زنان مجاز نیست، نگاه کردن زنان به بدن مرد نیز حرام است.

۲- در صورتی که مرد با رعایت نکردن پوشش مناسب موجب به گناه افتادن دیگران شود واجب است خود را بپوشاند.

۳- در صورتی که معالجه به وسیله پزشک مُمائیل (= هم نوع) میسر باشد، معاینه توسط پزشک غیر مائیل جایز نیست، و پزشک محرم محسوب نمی شود. در صورت عدم دسترسی به پزشک هم جنس، و در صورت اضطرار، به شرطی نگاه و لمس اعضای بدن نامحرم، جایز است که برای معالجه نیاز به نگاه یا لمس، ضروری بوده و از طریق غیر مستقیم (مانند به کارگیری ابزار) ممکن نباشد. در صورتی که معالجه فقط از طریق نگاه بدون نیاز به لمس، و یا با لمس بدون نگاه میسر است باید به همان اکتفا شود. در هر صورت، پزشک باید فقط به مقدار ضرورت اکتفا کند و تعدی از آن جایز نیست؛ (مثلاً اگر معاینه با دستکش انجام پذیر است، به همان اکتفا کند).



بیندیشید و پاسخ دهید:

- ۱- مزیت‌های پوشش مناسب نسبت به پوشش نامناسب چیست؟
- ۲- عوامل گرایش به بدحجابی چیست؟
- ۳- مدگرایی چه عیب‌هایی می‌تواند داشته باشد؟
- ۴- ارتباط رعایت حجاب را با افزایش امنیت و رضایت از زندگی شرح دهید.
- ۵- ارتباط بدحجابی را با افزایش طلاق و جرم و جنایت توضیح دهید.

پیشنهاداتی برای تحقیق درسی

- ۱- دربارهٔ عواقب نگاه آلوده و تأثیر آن در ارتکاب گناه مقاله‌ای تهیه کنید و در کلاس مطرح نمایید.
- ۲- بی‌توجهی برخی جوامع مسیحی به امر پوشش بدن و موی سر از چه زمانی آغاز گردیده و چه عللی داشت؟
- ۳- دربارهٔ کشف حجاب در دوران پهلوی و برنامهٔ استعمار در ترویج بی‌حجابی مقاله‌ای تهیه و در مدرسه ارائه نمایید.